

چالش‌های سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی ایران از دیدگاه حرفه‌مندان، مورد مطالعاتی: سازمان نظام مهندسی ساختمان*

بنفشه یادگارزاده^۱ - فرشاد نوریان^۲

۱. استادیار گروه شهرسازی، موسسه آموزش عالی اشراق، بجنورد، ایران.
۲. دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۶ تاریخ اصلاحات: ۱۳۹۸/۰۳/۱۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

چکیده

سازمان‌های حرفه‌ای علی‌رغم اهمیت و جایگاهی که در تقویت موضع حرفه‌ای می‌توانند ایفا نمایند، در ادبیات شهرسازی مغفول واقع شده‌اند. این در حالیست که آن‌ها در مسیر ایفای نقش‌های چندگانه‌ای که بر عهده‌شان گذاشته شده است، با چالش‌ها و موانع جدی مواجه هستند. در چنین بستری با گذشت حدود سه دهه از تجربه سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی هنوز چشم‌انداز پیش روی آن‌ها مبهم و حتی تیره و تاریک تصور شده است. لذا در این پژوهش تلاش شده است با رویکرد انتقادی چالش‌هایی پیش روی این سازمان‌ها مورد بررسی قرار گرفته و تصویری از وضعیت کنونی و چشم‌اندازهای آتی آن‌ها با تمرکز بر سازمان نظام مهندسی ساختمان به عنوان یکی از فعال‌ترین این سازمان‌ها در عرصه شهرسازی ارائه گردد. بدین منظور روش تحلیل گفتمان انتقادی برای شناسایی این چالش‌ها مبنای عمل قرار گرفته است. با نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی، در مجموع ۲۰ فرد مطلع از میان اعضای بدنه حرفه‌ای و مدیریتی سازمان نظام مهندسی انتخاب شده‌اند. داده‌های پژوهش نیز با روش مصاحبه‌های گفتمانی گردآوری شده‌اند. در نتیجه تحلیل‌ها سه گروه از چالش‌ها شامل عوامل بیرونی، عوامل درون سازمانی و عوامل درون‌گروهی شناسایی شده‌اند. در این میان عوامل بیرونی که اشاره به فراهم نبودن بستر و زمینه برای نقش‌آفرینی این سازمان‌ها دارند، بیش‌ترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. در رده بعدی دامنه متنوع‌تری از چالش‌های درون‌گروهی قرار دارند که معرف نقدهای شهرسازان نسبت به جامعه حرفه‌ای خود است. در آخرین رده نیز عوامل درون سازمانی که عمدتاً به روابط درون سازمانی اشاره دارند، قرار گرفته است. مجموعه این چالش‌ها نشان‌دهنده مسیر دشواری است که پیش روی جامعه حرفه‌ای شهرسازی قرار دارد.

واژگان کلیدی: حرفه شهرسازی، جامعه حرفه‌ای شهرسازی، سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی، گفتمان انتقادی.

۱. مقدمه

جایگاه و نقش سازمان‌های حرفه‌ای از دهه ۱۹۴۰ و با افزایش توجه محققان به ماهیت حرفه‌ها مورد تحقیق و بررسی قرار گرفت و نقش این سازمان‌ها در تقویت و حمایت از موضع حرفه‌ای در توسعه حرفه‌ها مورد تأکید واقع شد (Abbott 1988; Pemberton 1994). سازمان‌های حرفه‌ای به عنوان جامعه‌ای منسجم و هم‌پیمان از حرفه‌مندان در شمار یکی از مشخصه‌های اصلی در تشخیص حرفه از غیرحرفه معرفی شده‌اند (Stoltz and Govender 2014; Bickenbach and Hendler 2017; Campbell and Marshall 2005). هر چند امروزه لزوم عبور از رویکردهای سنتی و دوگانه انگاری‌های میان حرفه و غیرحرفه به دیدگاهی پذیرفته‌شده مبدل گردیده است ولی هم‌چنان برخورداری از سازمان‌های حرفه‌ای برای حرفه‌های جوان‌تر به واسطه موضع حرفه‌ای متزلزل مورد توجه قرار دارد. این سازمان‌های حرفه‌ای به عنوان تشکیلاتی معرفی شده‌اند که توانایی تعیین صلاحیت‌ها، ترسیم قلمرو حرفه و کنترل و سازماندهی عملکرد حرفه‌مندان را داشته و از ورود افراد فاقد صلاحیت به این قلمرو جلوگیری می‌کنند، از این رو نقش مهمی در ارائه وجه حرفه‌ای و اعتبار به حرفه‌ها داشته و به خصوص برای حرفه‌های جوان ضروری هستند (Fridson 2001). بنابراین برخورداری از سازمان‌های حرفه‌ای برای حرفه‌های جوان‌تر در راستای تقویت موضع و جایگاه خود در مقایسه با حرفه‌های جاافتاده‌تر به عنوان یک ضرورت مطرح است.

شهرسازی به عنوان حرفه‌ای جوان، از این وضعیت مبری نبوده است و حتی هنوز هم برخی منتقدین با دیدگاه تردید نسبت به دستیابی شهرسازی به چنین موقعیتی اظهار نظر می‌نمایند و در دیدگاه‌های بدبینانه از لزوم حرفه‌زدایی و کنار گذاشتن آن به عنوان حرفه‌ای مستقل صحبت نموده‌اند. در چنین بستری نقش و جایگاه سازمان‌های حرفه‌ای به عنوان یکی از مشخصه‌های پذیرفته‌شده حرفه‌های مشروع و سازمان‌یافته اهمیت می‌یابد. این سازمان‌ها به واسطه نقش‌آفرینی در چندین وجه از جمله تقویت جنبه‌های جمع‌گرایانه حرفه (Geley 2015)، بستری برای صلاحیت‌سنجی و کنترل جریان‌های عضویت و ترویج بنیادهای ادارک مشترک (Elliot 1972)، تقویت جنبه‌های اخلاقی سازمان‌دهنده و توسعه فرهنگ کاری مشترک (Greenwood 1966) واجد اهمیت می‌باشند. اعطای چنین جایگاهی متعاقباً سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی را با چالش‌هایی در ایفای نقش‌های مورد انتظار از آن‌ها و نقدهایی بر عملکرد آن‌ها مواجه ساخته است. در این مقاله نقدهایی که از درون جامعه حرفه‌ای شهرسازی مطرح است، مورد توجه قرار گرفته است. شناسایی این نقدها و چالش‌هایی که سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی با آن مواجه هستند می‌تواند به شناسایی مسیریایی برای تقویت آن‌ها رهنمون گردد.

۲. نقش و جایگاه سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی در ادبیات جهانی

هسته اولیه شکل‌گیری سازمان‌های حرفه‌ای به انجمن‌های کوچکی از شاغلین فعال در یک حوزه مشخص باز می‌گردد که عمدتاً با هدف برقراری روابط اجتماعی میان شاغلین فعال در گروه‌های شغلی مشترک شکل گرفته‌اند. این انجمن‌ها فرصتی برای اشتراک دیدگاه‌ها و بحث در رابطه با مسائل و مشکلات شغلی فراهم می‌نماید (Carr-Saunders and Wilson 1993, 301). بعدها تأکید اولیه این انجمن‌ها بر ایفای این نقش اجتماعی، گسترده‌تر شد و صلاحیت‌های حرفه‌ای^۱ به محور تمرکز آن‌ها مبدل گردید (Marshall 2000, 17). این انجمن‌ها با تأکید بر پذیرش شاغلین واجد صلاحیت و بیرون نگه داشتن افراد فاقد شرایط به منبعی برای تأمین اعتبار حرفه‌ای مبدل گردیدند. اعضای برخوردار از صلاحیت با عضویت در این انجمن‌ها به عنوان یک حرفه‌مند کسب اعتبار نموده و با پایبندی به اصول اخلاقی و ضوابط رفتار حرفه‌ای انجمن‌ها وارد چتر حمایتی آن‌ها شده و منافع فردی آن‌ها توسط انجمن پشتیبانی می‌شود.

با تسلط اثبات‌گرایی و رشد باور به تخصص‌گرایی، زمینه برای شکل‌گیری و رشد حرفه‌ها فراهم شد. در این دوران تصویری بی‌نقص از حرفه‌های کامل بر مبنای مشخصه‌های متمایزکننده مشاغل حرفه‌ای شامل مواردی هم‌چون برخورداری از بدنه دانش انتزاعی و حق انحصاری برای کنترل فعالیت‌های کاری مشخص مبنای ارزیابی حرفه‌ها قرار گرفت. این تصویر ایده آل از حرفه‌ای‌گری ناب و کامل به عنوان مقصد آرمانی برای مشاغل در تمنای حرفه‌ای شدن مبدل گردید و حرفه‌های جوان به تقلید از این تصویر و کسب مشخصه‌های مورد انتظار از حرفه‌های ناب روی آوردند. برخورداری از سازمان‌های حرفه‌ای به عنوان یکی از مشخصه‌ها در جریان حرفه‌ای شدن^۲ نقش مهمی در این فرایند عهده‌دار شدند.

در تبعیت از تصویر ایده‌آل از حرفه‌های کامل، سازمان‌های حرفه‌ای با نقش‌های کنترل‌کننده، سازمان‌دهنده، نظارت‌گر و حمایت‌گر روبه‌رو هستند. سازمان‌های حرفه‌ای از طریق روندهای صلاحیت‌سنجی و گزینش اعضا، تعریف صلاحیت‌های استاندارد و تنظیم اصول اخلاقی و همین‌طور پایش عملکرد حرفه‌مندان به ایفای این نقش‌ها می‌پردازند (Abbott 1988). این تصویری است که هم‌چنان در ارزیابی موضع حرفه‌ای نقش برجسته‌ای داشته و مبنای تعریف یک گروه حرفه‌ای قرار می‌گیرد (Stoltz and Govender 2014). سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی نیز در تمنای برخورداری از این جایگاه تلاش نموده‌اند تا به ایفای این نقش‌ها بپردازند و با مهیا ساختن مشروعیت نهادی، فراهم ساختن حمایت‌های قانونی و سیاسی، نظارت بر کیفیت، وضع کدهای اخلاقی و هنجارهای حرفه‌ای و همین‌طور برقراری جریان‌های آموزش مداوم

منفعت‌گرایانه سازمان‌های حرفه‌ای هنوز به نظر می‌رسد، سازمان‌های حرفه‌ای به خصوص در حرفه‌هایی با منشا قدرت بیرونی زیر سایه چنین دیدگاهی ارزیابی می‌شوند. یکی از نقدهای جدی به سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی از منظر بیرونی دانستن منبع اقتدار آن مطرح گردیده است. منتقدین، شهرسازی را دارای موضع حرفه‌ای بیرونی دانسته‌اند که توسط دولت معرفی نموده‌اند. این موضع بیرونی، مشروعیت‌بخشی و کسب قدرت حرفه شهرسازی را منوط به ارتباط با دولت به عنوان کارفرمای اصلی شهرسازی می‌داند. این رابطه‌ای است که غیرقابل انکار و تفکیک معرفی شده است. در این رابطه به فراموشی سپردن اهداف متعالی هم‌چون منافع عمومی، بهایی است که شهرسازان برای کسب موضع حرفه‌ای بایستی بپردازند (Barr 1972). با اتکا بر چنین دیدگاه‌هایی، شهرسازی از سوی منتقدان یک گروه شغلی معرفی شده که توانایی ادعای حرفه‌ای‌گری را ندارد بلکه تنها می‌تواند دانش تخصصی خود را به کارفرماهای خود که عمدتاً دولت است، بفروشند (Beauregard 1983). این تمرکز بر رویکردهای بازارگرایانه و کسب درآمد با فروش دانش تخصصی، رابطه حرفه‌مندان را با کارفرمایان تقویت می‌نماید تا با سازمان‌های تخصصی و در موردی که دولت کارفرما است، این رابطه می‌تواند چالش برانگیزتر باشد (Evetts 2014). رشد خصوصی شدن فعالیت‌های شهرسازی نیز 38. کمکی به تقویت موضع حرفه‌ای آن ننموده است. با تسلط انگاره‌های خصوصی شدن، حرفه‌مندان به ارائه آن چه می‌پردازند که کارفرما حاضر به پرداخت هزینه در قابل آن باشد و بالتبع کارفرمایان نیز مشتاق پیگیری منافع خود هستند تا یک مفهوم انتزاعی به نام منافع عمومی (Dalton 1986, 150). لذا رشد خصوصی شدن فعالیت‌های شهرسازی نیز به تقویت موضع حرفه‌ای شهرسازی و فراهم دیدن بنیادهای درونی برای کسب اعتبار و اقتدار حرفه‌ای منجر نگردیده است. بنابراین می‌توان پایبندی شهرسازی به اهداف متعالی همانند تأمین منافع عمومی و بهبود کیفیت زندگی و محیط‌های شهری را در عین پذیرش مواضع اقتدار بیرونی به عنوان یکی از زمینه‌های مهم چالش برانگیز پیش روی سازمان‌های حرفه‌ای برشمرد.

۳-۲- نقدهای وارد بر قلمرو حرفه‌ای

گروهی دیگر از نقدهای بنیادی، سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی را از منظر قلمرو حرفه‌ای به چالش می‌کشند. این نقدها بیش‌تر به رسالت‌های حرفه‌ای این سازمان‌ها و اتکای آن‌ها به مجموعه‌ای از صلاحیت‌ها برای قضاوت در مورد شایستگی متقاضیان ورود به بدنه حرفه‌ای شهرسازی مربوط می‌گردد. ماهیت پروبلماتیک پذیرش اهدافی همانند منافع عمومی به عنوان بنیادهای مشروعیت‌بخش حرفه شهرسازی موضوع پژوهش‌های متعددی بوده است. دشوار بودن ترجمه چنین اهدافی به عمل موجب شده

از جایگاه حرفه‌ای شهرسازی حمایت می‌نمایند (Myres and Banerjee 2005, 127). در عین حال محققانی با تأکید بر تفاوت‌های شهرسازی با این مشخصه‌ها، نسبت به موضع حرفه‌ای شهرسازی و نقش سازمان‌های حرفه‌ای آن اظهار تردید نموده‌اند.

۳. سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی؛ چالش‌ها و تنگناها

بنا نهاده شدن سازمان‌های حرفه‌ای در حوزه شهرسازی و از ابتدای مسیر شکل‌گیری این حرفه و طرح ادعای استقلال حرفه‌ای با آن همراه بوده‌اند. این سازمان‌ها که ابتدا با مشارکت شاغلیانی در زمینه‌های متنوع که دغدغه مسائل شهری را داشتند، شکل گرفتند و امروزه به چتری گسترده برای پوشش دادن به حرفه‌مندان در حوزه شهرسازی مبدل گردیده‌اند و هم‌چنان حرفه را در هزاره جدید همراهی می‌نمایند. برخی محققان با دیدگاهی خوش‌بینانه این دوران را به بلوغ و بالندگی شهرسازی تعبیر نموده‌اند (Sanyal 2017). با این وجود حرفه شهرسازی و بالتبع سازمان‌های حرفه‌ای آن همواره با دامنه گسترده‌ای از نقدها مواجه بوده است. نقدهای وارد بر سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی در دو محور اصلی شامل نقد بنیادهای اعتباربخشی و قلمرو حرفه‌ای جمع‌بندی گردیده‌اند.

۳-۱- نقدهای وارد بر بنیادها

یکی از نقدهایی که به صورت مشخص بر بنیادهای تأمین‌کننده اقتدار و اعتبار حرفه‌ای سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی وارد آمده است، از مواضع کسب اقتدار و مشروعیت بخشی ناشی می‌شود. حرفه‌ای شدن می‌تواند منشا درونی داشته (حرفه‌ای شدن از داخل)^۲ و یا از بیرون (حرفه‌ای شدن از بالا)^۴ تحمیل گردد (McClelland 1990). حرفه‌ای شدن درونی به وسیله خود شاغلیان و حرفه‌مندان ایجاد می‌شود و آن‌ها با اتکا بر توانمندی‌هایشان به ساختن هویت شغلی و کسب موضعی معتبر می‌پردازند. از این رو حرفه‌ای شدن درونی مستلزم تقویت جنبه‌های خیرخواهانه و تبعیت از تصویر منفعت موکلان است. حرفه‌ها با تبعیت از این تصویر شایستگی حمایت توسط جامعه را کسب می‌نمایند (شفیعی ۱۳۸۴، ۱۵۶). از سوی دیگر حرفه‌ای شدن از بالا منشا بیرونی داشته و سازمان‌های حرفه‌ای به عنوان روکشی مشروعیت‌بخش به حرفه‌هایی که اساساً اقتدار آن‌ها به حمایت‌های بیرونی وابسته است، تقلیل می‌یابند. در این راستا بارها به تعبیر مشهور برنارد شاو که سازمان‌های حرفه‌ای را «توطئه‌ای علیه عوام»^۵ خوانده است، ارجاع شده است. در موافقت با این تعبیر، سازمان‌های حرفه‌ای پوششی برای حفاظت از منافع مقرر^۶ اعضا معرفی شده‌اند (Richards 1990). علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در تقویت تصویر

تا در قابلیت تلقی از آن به عنوان بنیان عمل حرفه‌ای تردید شود (Murphy and Fox-Rogers 2015, 240). سوال اساسی این است که شهرسازی با از دست دادن بنیادهای اصیل خود چه نقطه اتکایی دارد؟ این موضوعی است که موجب شدت یافتن دیدگاه‌های بدبینانه نسبت به بهره‌برداری شهرسازی از منفعت عمومی به عنوان پوششی تھی برای اعطای وجهای مشروع گردیده است. در چنین شرایطی مجموعه‌ای از نظرات راجع به بنیادهای جدید شهرسازی از بازگشت به برنامه‌ریزی کاربری زمین (Teitz 2000)، برنامه‌ریزی جامع (McClendon 2003) و اتخاذ بنیادهای جدیدی همانند نظریه ارتباطی (Immes 1998) و توسعه پایدار (Birch and Silver 2009) اظهار شده است. با این وجود توافقی جامع در این زمینه وجود ندارد. بدیهی است سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی نیز چه در پایبندی به بنیادهای گذشته و چه در پذیرش چشم‌اندازهای جدید با چالش‌های جدی در سازماندهی قلمرو حرفه‌ای مواجه هستند.

نقد‌های وارد بر رویه‌های صلاحیت سنجی شهرسازان حرفه‌ای را می‌توان مصداقی مشخص از دغدغه‌های مذکور دانست. سازمان‌های حرفه‌ای فرایندهایی برای ارزیابی صلاحیت حرفه‌مندان را سازمان داده و از ورود افراد فاقد صلاحیت جلوگیری می‌نمایند و در مقابل از حرفه‌مندان صاحب صلاحیت که استانداردهای اخلاق حرفه‌ای سازمان را رعایت می‌نمایند، حمایت می‌نمایند (Evetts 2011). این صلاحیت‌ها در جریان آموزش‌های تخصصی به دست می‌آیند که سایرین از آن برخوردار نیستند (Campbell and Marshal 2005, 199). تلاش سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی برای سازماندهی به قلمرو دانش تخصصی با توجه به گستردگی و ابهام در پایگاه دانش شهرسازی، آن‌ها را با چالش‌هایی مواجه نموده است. تلاش برای محدود کردن این مرزها، سازمان‌ها را در معرض اتهام تعریف ناقص حرفه و مانع‌آفرینی برای رشد خلاقانه قرار داده است. از سوی دیگر آن‌ها در پذیرش این قلمرو گسترده نیز با نقدهایی مبنی بر دامن زدن به ابهام تضعیف‌کننده ناشی از مشخص نبودن مرزهای حرفه مواجه هستند. از سوی دیگر در جریان این تحولات با صلاحیت‌های جدید (مانند مهارت‌های ارتباطی) روبه‌رو هستند که اساساً در برنامه‌های رسمی آموزشی آن جایگاهی ندارند. این وضعیت به گویاترین عبارت که اگر شهرسازی همه چیز است ممکن است هیچ چیز نباشد، وصف شده است (Wildavsky 1973). این گستردگی به عنوان یک تهدید برای اعتبار شهرسازی به عنوان یک تخصص مشخص تعبیر شده است (Sanyal 2017, 320). چنین نقدهایی همگی از ابهام در هویت مرکزی شهرسازی و قلمرو حرفه‌ای آن تغذیه می‌شوند. در چنین بستری به نظر می‌رسد سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی برای تعریف صلاحیت‌ها، قلمرو حرفه و تنظیم

روابط با حرفه‌های همسایه مسیر دشواری در پیش دارند.

۴. خاستگاه سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی در ایران

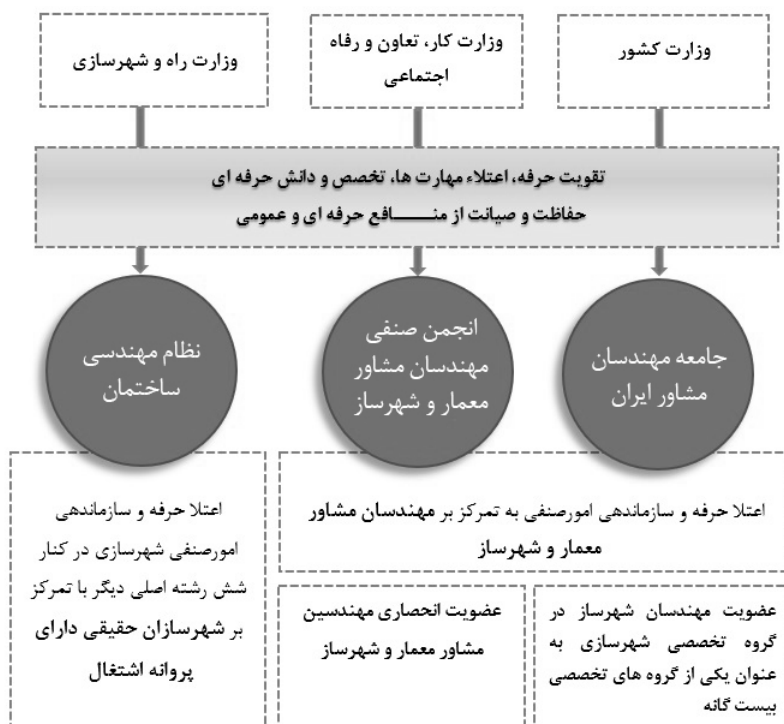
شروع دوره‌های آموزشی در حوزه شهرسازی^۷ و افزایش شمار شهرسازان آموزش‌دیده در همراهی با افزایش نیاز به شهرسازی و به رسمیت شناخته شدن آن به عنوان حرفه‌ای مستقل، تقاضا برای تشکیل سازمان و تشکیلاتی که بتواند این گروه حرفه‌ای را سازماندهی و هدایت نماید مطرح گردید. علی‌رغم گذشت چند دهه از شروع فعالیت‌های حرفه‌ای شهرسازی در ایران، همچنان حرفه شهرسازی همچنان سازمان حرفه‌ای مستقلی ندارد. در حال حاضر شهرسازی در کنار حرفه‌های دیگر تحت پوشش سازمان‌هایی از قبیل سازمان نظام مهندسی ساختمان، انجمن صنفی مهندسان معمار و شهرساز و جامعه مهندسان مشاور ایران قرار دارد. در این میان سازمان نظام مهندسی ساختمان نقش برجسته‌تری در سازمان‌دهی فعالیت‌های حرفه‌ای شهرسازی داشته است. سازمان نظام مهندسی ساختمان با دغدغه کیفیت پایین ساخت و مقاومت پایین بناها شکل گرفت. این سازمان در راستای سازمان‌دهی به فعالیت‌های حرفه‌ای در زمینه ساختمان‌سازی پایه‌گذاری گردید. با شناسایی این نیاز و به رسمت شناخته شدن این دغدغه‌ها، قانون نظام معماری و ساختمان در سال ۱۳۵۲ به تصویب رسید. در این قانون دو سازمان مستقل شامل نظام مهندسان معمار و شهرساز و سازمان نظام مهندسان ساختمان و تأسیسات براس ساماندهی فعالیت‌ها در عرصه ساختمان‌سازی در نظر گرفته شده بودند. این قانون تا دو دهه بعد اجرایی نشد و در دهه ۱۳۷۰ با تغییراتی شامل ادغام این دو سازمان و افزودن رشته‌های جدید، زمینه بنیادگذاری نظام مهندسی ساختمان را فراهم ساخت. در این میان رشته شهرسازی (دربرگیرنده دو گرایش برنامه‌ریزی و طراحی شهری) به عنوان یکی از رشته‌های هفت‌گانه^۸ زیرمجموعه سازمان نظام مهندسی ساختمان به رسمیت شناخته شد. با این وجود رشته شهرسازی به خصوص در سال‌های ابتدایی به عنوان رشته‌ای فرعی نگریسته می‌شد و حتی هنوز هم دیدگاه اولیه مبتنی بر اصلی بودن چهار رشته^۹ در این مجموعه در برخی مصوبات و آیین‌نامه‌ها و حتی مکاتبات اداری سازمان مشاهده می‌شود.

در سال ۱۳۷۱، قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان برای سه سال به صورت آزمایشی در استان‌های مختلف اجرا شد و نهایتاً در سال ۷۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. آیین‌نامه اجرایی این قانون در سال ۱۳۷۵ به تصویب رسید و ابلاغ گردید. بدین ترتیب، سازمان نظام مهندسی ساختمان در قالب یک سازمان غیرانتفاعی به منظور تحقق بخشی به قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان برای تأمین مشارکت هر چه وسیع‌تر مهندسان

برای شهرسازان (حقیقی) شامل موارد محدودی از جمله تفکیک اراضی، تهیه گزارش‌های توجیهی انطباق کاربری و تهیه طرح‌های انطباق اراضی و اخیراً پدافند غیرعامل است. این در حالیست که سهم اعضای جامعه حرفه‌ای شهرسازی نیز علی‌رغم رشد قابل توجه دوره‌های آموزش شهرسازی و افزایش فارغ التحصیلان، همچنان بسیار محدود است^{۱۱} که نشان‌دهنده پایین بودن روند رشد بدنه حرفه‌ای شهرسازی است.

در انتظام امور حرفه‌ای خود تاسیس گردید. در ماده دوم این قانون، ده هدف شامل مجموعه‌ای از اهداف ترویجی، اعتلایی و صنفی برای این سازمان تعریف شده است. حرفه شهرسازی در این اهداف به صورت قابل توجهی مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر جایگاه برجسته شهرسازی در اهداف سازمان، دامنه فعالیت گسترده‌ای نیز از سطوح کلان (مانند طرح کالبدی ملی) تا سطوح خرد (مانند طرح تفکیک اراضی شهری) برای آن در نظر گرفته شده است. با این وجود صلاحیت‌های به رسمیت شناخته‌شده و فعال

شکل ۱: سازمان‌های حرفه‌ای فعال در عرصه شهرسازی



انتزاعی به منظور مواجه با پیچیده‌فزاینده جهان کنونی مورد توجه قرار گرفته است (Wodak and Meyer 2009). با توجه به طرح پژوهش، داده‌های پژوهش با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با گروهی از افراد منتخب گردآوری شده است. مصاحبه‌های انجام‌شده از نظر نوع‌شناسی در گروه مصاحبه‌های گفتگومانی^{۱۲} طبقه‌بندی می‌شوند. این نوع از مصاحبه‌ها متکی بر گفتگوی فعال دوجانبه است (Kvale and Brinkman 2009). انتخاب مصاحبه‌شوندگان با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با راهبرد نمونه‌گیری مورد مشهور انجام شده است. در این راستا با مجموعه از مطلع‌ترین افراد در بدنه حرفه شهرسازی و دارای سابقه بیش از ۱۰ سال فعالیت در این حرفه انجام شده است. با انجام ۲۰ مصاحبه گفتگومانی اشباع نظری مورد نیاز پژوهش حاصل شده است.

۵. روش تحقیق

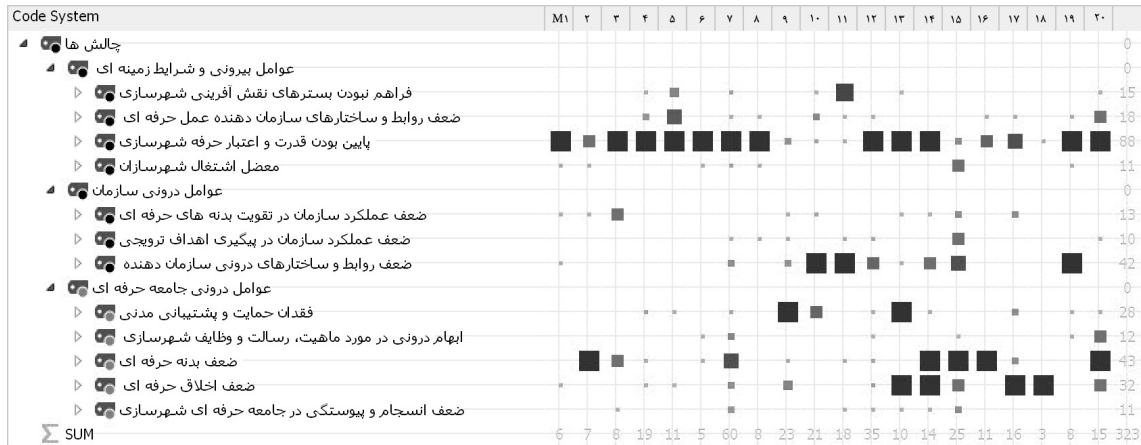
با توجه به تجربه بیش از سه دهه فعالیت سازمان نظام مهندسی به عنوان یکی از سازمان‌های حرفه‌ای در عرصه حرفه شهرسازی، هدف این مقاله شناسایی چالش‌ها و موانع پیش روی این سازمان از دیدگاه حرفه‌مندان است. برای حصول به این هدف از روش گفتگومانی انتقادی^{۱۱} که از روش‌های کیفی می‌باشد، استفاده شده است. این شیوه تحلیلی به واسطه توانایی در افشای طبیعی شدگی‌ها و همین‌طور آشکار نمودن تحریف‌ها برای این پژوهش مناسب تشخیص داده شده است. در تحلیل گفتگومانی انتقادی، محقق با حفظ فاصله انتقادی از داده‌ها و اتخاذ موضعی سیاسی همراه با بازاندیشی و خود تأملی به تحلیل داده‌ها در موقعیت‌های اجتماعی خاص می‌پردازد (محمدپور ۱۳۹۲). ماهیت انتقادی این شیوه در رابطه با توانمندی آن‌ها در طبیعی زدایی و اجتناب از ساده‌انگاری

۶. تحلیل داده‌ها و یافته‌اندوزی

پس از مکتوب نمودن گفتگوها با پروتکل جامع‌نگر و تحلیل آن‌ها، مجموعه‌ای از کدهای باز استخراج گردید و در قالب مجموعه‌ای از کدهای محوری سازمان‌دهی شدند. جمع‌بندی این کدهای محوری به شناسایی چالش‌هایی در سه گروه شامل عوامل بیرونی، عوامل درونی سازمانی و عوامل درونی جامعه حرفه‌ای شهرسازی منجر گردید به

شرح شکل ۲ منجر گردید. در مجموع چالش‌های بیرونی با در بر گرفتن ۴۱ درصد از مجموع کدهای مستخرج از مصاحبه‌ها بیش‌ترین فراوانی را دارد. با اختلاف کمی عوامل درونی و چالش‌های مطرح در داخل بدنه حرفه‌ای با سهم ۳۹ درصد در رده دوم قرار گرفته‌اند. در نهایت عوامل درون سازمانی نیز با سهم ۲۰ درصد کم‌ترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند.

شکل ۲: فراوانی مفاهیم در مقوله چالش‌ها و موانع سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی



«پایین بودن قدرت و اعتبار حرفه شهرسازی» و «معضل اشتغال شهرسازان» را در بر می‌گیرد. در شکل ۳ مفاهیم طبقه‌بندی شده ذیل این مقوله‌ها و سهم آن‌ها مشاهده می‌شود.

۶-۱- موانع و چالش‌های بیرونی

گروه چالش‌های بیرونی مجموعه‌ای از مقوله‌های محوری شامل «فراهم نبودن بسترهای نقش آفرینی شهرسازی»، «ضعف روابط و ساختارهای سازمان دهنده عمل حرفه‌ای»،

شکل ۳: فراوانی و تناوب تکرار مفاهیم ذیل مقوله چالش‌های بیرونی



بر فعالیت سازمان قرار دارد. مواردی شامل موضع ضعیف و آسیب‌پذیر سازمان در برابر فشارهای بیرونی، محدود بودن

مشکل پایین بودن قدرت و اعتبار شهرسازی و موضع متزلزل آن در مقابل دولت در رأس شرایط زمینه‌ای اثرگذار

که سازمان‌های مختلفی هر یک به نوعی ادعای حمایت از حرفه شهرسازی را دارند و حتی روابط تعریف شده و مشخصی نیز میان آن‌ها وجود ندارد به وخامت شرایط می‌افزاید. این وضعیت به «ملقمه‌ای از سازمان‌ها، ائتلاف منابع بدون برآیندی مشخص» توصیف شده است. از دیگر موانع پیش روی سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی می‌توان به مشکل تأمین شغل برای شهرسازان اشاره نمود. رشد بالا و بدون برنامه دوره‌های آموزش شهرسازی که به نظر می‌رسد و افزایش شمار فارغ التحصیلان شهرسازی که تناسبی با فرصت‌های شغلی موجود ندارد موجب شده است تا شهرسازان با مشکل اشتغال روبه‌رو باشند. این شرایط به عنوان عاملی برای دامن زدن به مشکلات اخلاقی و منفعت‌گرایی در جامعه حرفه‌ای شهرسازی معرفی شده است.

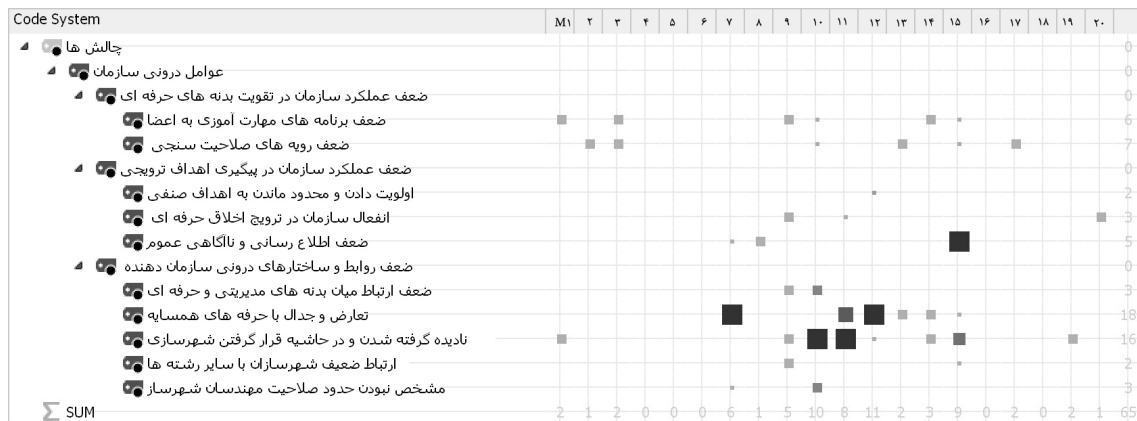
۶-۲- عوامل درون سازمانی

گروهی دیگر از چالش‌ها به عوامل درونی سازمان نظام مهندسی و به خصوص روابط میان رشته‌های اصلی آن مربوط می‌شود. به طور کلی سه چالش اصلی شامل «ضعف در تقویت بدنه حرفه‌ای»، «ضعف در پیگیری اهداف ترویجی» و نهایتاً «ضعف روابط و ساختارهای سازمان‌دهنده» در این زمینه شناسایی شده است. در شکل ۴ مفاهیم طبقه‌بندی شده ذیل هر یک از این مقوله‌ها مشاهده می‌شود.

دامنه اختیارات آن، عدم پذیرش عمومی منافع به‌کارگیری تخصص شهرسازی، ماهیت سیاسی شهرسازی و اعمال فشار گروه‌های قدرت و همین‌طور برخوردهای سطحی و شعارگونه با شهرسازی در ترکیب‌بندی این چالش مورد توجه قرار گرفته‌اند. در یکی از مصاحبه‌ها رابطه دولت با سازمان با نگاهی بدبینانه با ارجاع به تعبیر «مار در آستین پروراندن» توصیف شده است. بدین صورت که به محض احساس خطر از سوی دولت نسبت به آن چه خود پرورش داده می‌تواند به راحتی آن را باطل و بی‌اثر نماید که نشان از وابستگی بالای شهرسازی به همراهی و پشتیبانی دولت دارد. چنین چالشی به خوبی بیانگر ضعف شهرسازی در برخورداری از حمایت عمومی و پذیرش آن به عنوان حرفه‌ای خدمت‌رسان است. از سوی دیگر در شرایطی که «جامعه منفعل» است و شهروندان به حقوق خودشان آگاه نیستند و مطالبه‌گری اتفاق نمی‌افتد، شهرسازی در پایبندی به منفعت عمومی وضعیت دشواری دارد. در واقع شهرسازی بایستی از منافع دفاع کند که مطالبه‌ای برایشان وجود ندارد. علاوه بر عدم پذیرش شهرسازی از سوی شهروندان، حتی در مورد نهادهای مدیریتی شهرها نیز وضعیت بهتری وجود ندارد.

ناقص بودن قوانین و ابهام در مورد جایگاه و نقش شهرسازی از دیگر چالش‌های شناسایی شده در این زمینه است. در مصاحبه‌ها فراهم نبودن این بسترهای قانونی به عنوان عاملی مهم و ریشه شکل‌گیری چالش‌ها در حوزه فعالیت شهرسازی توصیف نموده‌اند. در چنین بستری

شکل ۴: فراوانی و تناوب تکرار مفاهیم ذیل چالش‌های درونی سازمان



در تعارض منافع صنفی و حرفه‌ای با سایر حرفه‌ها - به خصوص حرفه‌های جاافتاده‌تر با تعداد اعضای بیشتر اعم از عمران و معماری - معرفی شده است. لذا مسیری دشوار پیش روی شهرسازی در سازمان تصویر شده که گام برداشتن در آن «پررنج و طاقت فرسا» تلقی گردیده است. فقدان حمایت‌های مورد نیاز از سوی سازمان خود به عنوان یکی از موانع برجسته در این مسیر معرفی شده است. برای توصیف این وضعیت از تعبیر سازمان به «حیات

در این میان روابط با شش حرفه دیگر با تأکید بیشتر مورد توجه قرار داشته است. اعضا جامعه حرفه‌ای شهرسازی از جایگاه ضعیف خود در مقابل سایر رشته‌ها به خصوص رشته‌های جاافتاده‌تری هم‌چون معماری و عمران شکایت داشته‌اند. آن‌ها این وضعیت را رها شدن شهرسازی در سازمان تعبیر نموده‌اند. در چنین بستری شهرسازی در جدالی دائمی با حرفه‌های دیگر برای تعیین حدود وظایف و حوزه صلاحیت‌ها قرار دارد. جنبه مجادله‌آمیز این رابطه

از دیگر رسالت‌های سازمان‌های حرفه‌ای به شمار می‌آید که در عملکرد کنونی سازمان نظام مهندسی چندان بدان پرداخته نمی‌شود. این غفلت موجب شده است تا مصاحبه‌شوندگان سازمان را تشکیلاتی متمرکز بر وظایف صنفی تلقی نمایند. این وضعیت بدین معنی است که رسالت‌های چندگانه مورد انتظار از سازمان‌های حرفه‌ای در زمینه‌های فرهنگ‌سازی، وضع و ترویج استانداردهای اخلاقی و برقراری پیوندهای اجتماعی آن‌چنان که باید محقق نمی‌گردد.

۶-۳- موانع و چالش‌های درونی

این چالش‌ها که معرف نقدهای وارد بر سازمان‌های حرفه‌ای توسط خود شهرسازان حرفه‌ای می‌باشند، دامنه گسترده‌تری از عوامل را نسبت به دو گروه دیگر شامل می‌شوند. در مجموع پنج چالش اصلی در این زمینه شناسایی شده است که به همراه مفاهیم طبقه‌بندی شده ذیل هر گروه در شکل ۵ ارائه شده‌اند.

خلوتی برای برخی رشته‌های خاص و حتی افراد مقتدر» یاد شده است که شهرسازان به عنوان «شهروندان درجه دو» راهی بدان ندارند. علی‌رغم باور به وجود چنین جدال دائمی و تمام‌نشدنی، تمامی مصاحبه‌شوندگان باور داشتند که جدا شدن شهرسازی از سازمان و تشکیل سازمانی مستقل، کمکی به بهبود شرایط نمی‌کند. بلکه حتی این وضعیت می‌تواند به تضعیف بیش‌تر موضع حرفه‌ای آن منجر شود.

چالش دیگر به عملکرد سازمان در پیگیری رسالت‌های بنیادی‌اش در زمینه آموزش مربوط است. آموزش مداوم اعضا و آشنایی آن‌ها با دانش روز یکی از رسالت‌های بنیادین سازمان‌های حرفه‌ای است. علی‌رغم اهمیت این آموزش‌ها، برنامه‌های آموزشی اجرا شده در سازمان نظام مهندسی فاقد اثربخشی لازم ارزیابی شده‌اند. گروهی دیگر از انتقادها معطوف به روش‌های صلاحیت‌سنجی رایج در نظام مهندسی و ناکارآمد دانستن آن در سنجش صلاحیت‌های مورد نیاز در عمل حرفه‌ای می‌باشد. پیگیری اهداف ترویجی و وضع و اجرای استانداردهای اخلاقی نیز

شکل ۵: فراوانی مفاهیم در مقوله موانع و چالش‌های درونی



شامل «مغفول ماندن منافع جمعی» در جامعه حرفه‌ای شهرسازی به عنوان حلقه مفقوده در پیشرفت شهرسازی معرفی شده است. یکی دیگر از چالش‌های مهم در این زمینه به موضع اعتبار آن و ضعف حمایت و پشتیبانی مدنی مربوط می‌شود. انتقادهای برآمده از این موضع به ضعف مقبولیت شهرسازی و پذیرش منفعت‌رسان بودن فعالیت‌های حرفه‌ای در جامعه اشاره دارند. در چنین بستری، جامعه حرفه‌ای شهرسازی به محدود شدن به اهداف صنفی و فاصله گرفتن از رسالت‌های اصیل

در این میان، ضعف بدنه حرفه‌ای شهرسازی و پایین بودن مهارت‌های آنان در حوزه وظایف تعریف‌شده به عنوان برجسته‌ترین چالش مطرح شده است. موضع منفعل شهرسازان عضو سازمان نظام مهندسی و مطالبه‌گر نبودن آن‌ها نیز از عوامل تشدیدکننده آن برشمرده شده است. در رده بعدی، ضعف اخلاق حرفه‌ای به عنوان چالشی مهم معرفی شده است. ابهام در کدهای اخلاقی، نظارت ضعیف بر عملکرد حرفه‌ای اعضا، نهادینه شدن رفتار غیراخلاقی و حتی ناآگاهی نسبت به آن در کنار مفاهیم بنیادینی

۴-۶- جمع‌بندی موانع و چالش‌های سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی

تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده به استخراج ۳۲۳ کد مرتبط با چالش‌ها و موانع در سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی منجر گردید. با شناسایی روابط میان کدها، آن‌ها در سه گروه شامل چالش‌های بیرونی، درون‌سازمانی و درون‌گروهی طبقه‌بندی شدند. عوامل بیرونی به شرایط بستر و زمینه اشاره دارند و بیش‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. در رده بعدی چالش‌های درون‌گروهی شامل نقدهای وارد بر بدنه حرفه‌ای شهرسازی قرار دارند. سومین رده نیز مربوط به چالش‌های درون‌سازمانی است که معطوف به روابط درون‌سازمانی بوده و از ماهیت اشتراکی سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی سرچشمه می‌گیرد. در شکل ۵ فراوانی کدهای طبقه‌بندی شده ذیل هر گروه نشان داده شده است.

شهرسازی متهم شده است. تعارض‌های موجود در بدنه حرفه‌ای و ترکیب دانش‌آموختگانی که از پایه (دوره لیسانس) به تحصیل در رشته شهرسازی پرداخته‌اند و کسانی که در مقطع کارشناسی ارشد وارد این حیطه شده‌اند نیز به عنوان یکی از عوامل چالش برانگیز معرفی شده است. گروهی با ارجاع به ماهیت بین‌رشته‌ای شهرسازی حامی، انحصارگرایی در آموزش شهرسازی را آسیب‌زا معرفی نموده‌اند. در مقابل گروه دیگر با اهمیت آموزش تخصصی در مقطع کارشناسی، طرفدار آموزش‌های انحصاری در این دوره بوده و ورود غیرشهرسازان به مقطع کارشناسی ارشد را منشا برداشت‌های سطحی، ناقص و بک بعدی از شهرسازی معرفی نموده‌اند. این دو دستگی در جامعه حرفه‌ای شهرسازی موجب شده است تا روحیه جمعی در داخل بدنه حرفه‌ای پایین بوده و حصول به وفاق جمعی نیز دشوار باشد.

شکل ۵: فراوانی کدهای محوری



۷. نتیجه‌گیری

سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی در ایران به خصوص به واسطه ماهیت اشتراکی آن‌ها و فقدان سازمانی اختصاصی در این حوزه، با الگوهای معمول جهانی تفاوت قابل توجهی دارد. تجربه بیش از سه دهه فعالیت رسمی سازمان نظام مهندسی به عنوان یکی از سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی که جامعه حرفه‌ای پرشماتری از شهرسازان حقیقی را در بر می‌گیرد، بستری بر ارزیابی عملکرد این سازمان به عنوان اصلی‌ترین سازمان حرفه‌ای شهرسازی فراهم نموده

تنوع و گستردگی نقش‌های مورد انتظار از سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی در عین رویارو بودن آن‌ها با چالش‌های متعدد منجر به ارزیابی شرایط کنونی به بحرانی گسترده و غامض شده است. این شرایط منجر به اظهار دیدگاه‌های بدبینانه و ناامیدی نسبت به آینده این سازمان‌ها در صورت تداوم وضعیت کنونی شده است. این در حالیست که با توجه به شرایط این حرفه در کشور بر لزوم همراهی آن با سازمان‌های حرفه‌ای تأکید شده است. این وضعیت نشان‌دهنده تنگنایی است که حرفه شهرسازی در آن گرفتار آمده است.

است. علی‌رغم مشکلاتی که اشتراکی بودن این سازمان و چالش‌هایی که به موضع ضعیف حرفه‌های جوان‌تر آن مانند شهرسازی باز می‌گردد؛ هم‌چنان در رابطه با این که خروج از سازمان و تشکیل سازمانی مستقل نمی‌توانند راه‌های حل مناسبی باشند وفاق نظر نسبتاً جامعی وجود دارد. در چنین شرایطی راهکارها در اصلاح وضعیت کنونی و تلاش برای تقویت جایگاه شهرسازی در سازمان و سازماندهی به روابط آن با سایر حرفه‌ها جستجو می‌شود. در ادامه لازم است تا جایگاه خود این سازمان‌ها در سطح جامعه تقویت شده تا نقش منفعت‌رسان آن‌ها مورد پذیرش عموم قرار گیرد. چنین تلاش‌هایی در راستای درونی کردن موضع حرفه‌ای به خصوص در رابطه با حرفه شهرسازی که با چالش بیرونی بودن اعتبار حرفه‌ای مواجه است می‌تواند راهگشا باشد. بنابراین تقویت سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی و افزایش اثربخشی آن‌ها نیاز به اتخاذ رویکردهای اصلاحی دارد. لذا رویکردهایی با اصلاحات رادیکال و بنیادی که راه حل را در گسستن شهرسازی از بنیادهای خود می‌بینند در شرایط کنونی نمی‌توانند اثربخش باشند. لذا برون‌رفت از شرایط غامض کنونی در جریان‌گذاری تدریجی و پیوسته با دامنه‌ای از اصلاحات در زمینه‌های مختلف قابل صورت‌بندی است. این جریان تکاملی به جای الگوهای خطی از الگوهای چرخشی پیش‌رونده تبعیت می‌نماید که در فرایند آن فرصت‌هایی برای اصلاح، خودانتقادی و بازتعریف حرفه شهرسازی مهیا است.

این مسیر تکاملی با توجه به دامنه گسترده چالش‌های پیش روی سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی به هیچ عنوان مسیری کوتاه و هموار نبوده و گام نهادن در آن دشوار است. چالش‌های متنوع برون‌سازمانی که بخش عمده‌ای از موانع شناسایی شده را شامل می‌شوند، نیازمند اتخاذ راهکارهایی در مقیاس فراسازمانی است. چنین راهکارهایی به اصلاح شرایط زمینه‌ای معطوف بوده و موضوعاتی بنیادی از قبیل بازنگری در قوانین و تنظیم رابطه دولت و شهرسازی را در بر می‌گیرد. در سطح درون سازمانی، نیاز به سازماندهی درونی برای تنظیم روابط میان شهرسازی و حرفه‌های همسایه برای غلبه بر چالش‌های درون سازمانی و در نهایت تقویت بدنه حرفه‌ای شهرسازی و انسجام درون‌گروهی آن وجود دارد. به نظر می‌رسد یکی از گام‌های ابتدایی در این

زمینه و درونی کردن موضع حرفه‌ای شهرسازی، تلاش برای تقویت باور به نقش سازنده شهرسازی در میان خود شهرسازان و تبدیل آن به دغدغه‌ای جمعی است. این باور می‌تواند با پوشش دادن به شکاف‌های درونی بدنه حرفه‌ای به تقویت هویت جمعی حرفه‌مندان کمک نماید. یک جامعه حرفه‌ای هویت‌مند، متحد و مطالبه‌گر می‌تواند نخستین گام و در عین حال قدمی بنیادین در این مسیر باشد. اجتناب از این تغییرات و تداوم وضعیت منفعل کنونی، آموزش‌های ضعیف آکادمیک و حرفه‌ای، کیفیت پایین خدمات حرفه‌ای، کم‌تعداد بودن بدنه حرفه‌ای عضو سازمان و ناامیدی آن‌ها نسبت به تغییر شرایط به وخامت بیش‌تر بحران کنونی منجر خواهد شد.

این تلاش‌ها برای تقویت بدنه حرفه‌ای شهرسازی به حوزه آکادمیک نیز کشیده می‌شود. نقش محققان در این زمینه برجسته است و در شرایط متزلزل کنونی محققان به جای دامن زدن به ابهام‌ها و به چالش کشیدن آینده پیش روی شهرسازی به تدارک بنیادهایی قابل اتکا برای آن پرداخته و راهکارهایی برای تقویت نقش سازمان‌های حرفه‌ای در ایفای نقش‌های مورد انتظار آن ارائه نمایند. اغفال نظری موجود نسبت به حرفه‌مندی در شهرسازی و جایگاه سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی در کشور که در پژوهش‌های داخلی کاملاً مشهود می‌باشد، مجال برای نقدهای غیرعلمی در این حوزه ایجاد نموده و خود به مانعی برای کسب اعتبار حرفه‌ای مبدل شده‌اند. همان‌طور که مصاحبه‌شوندگان نیز بدان اشاره داشتند، نگاه‌های بدبینانه و بازارگرایانه نسبت به سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی، تنها پایگاه جمعی قابل اتکا شهرسازی را تضعیف نموده و موضع حرفه‌ای آن را با تهدید فروپاشی مواجه می‌سازد. لذا پژوهش‌هایی در این حوزه می‌تواند به توسعه ادبیات نظری در زمینه حرفه‌مندی و موضع حرفه‌ای شهرسازی منجر شده و به آشکارسازی ظرفیت‌های سازنده این سازمان‌ها و در عین حال موانع متعددی که با آن مواجه هستند کمک نماید. افزایش توجه به این سازمان‌ها و آگاهی‌بخشی نسبت به جایگاه مورد انتظار از آن‌ها و همین‌طور ارزیابی عملکرد آن‌ها می‌تواند بستری برای شکل‌گیری نقدهای سازنده فراهم نموده و از این نظر اثرگذار تلقی گردند.

پی‌نوشت

1. Professional Competence
2. Professionalization
3. Professionalization from within

4. Professionalization from Above

5. Conspiracy against the Laity

6. Vested Interest

۷. برگزیدن واژه شهرسازی در ادبیات داخلی خود مورد نقد قرار دارد. نزدیک‌ترین معنی برای این واژه Urban Development است که می‌تواند بیانگر گسترده بودن تعبیر مورد نظر از ساختن نسبت به معانی متداول آن در ترکیب‌هایی مانند خانه‌سازی و پل‌سازی که در رشته‌های مهندسی ساختمان مرسوم است، باشد.

۸. این رشته‌ها که از آن‌ها به رشته‌های اصلی یاد می‌شوند شامل معماری، عمران، تأسیسات مکانیکی، تأسیسات برقی، شهرسازی، نقشه‌برداری و ترافیک هستند.

۹. رشته‌های مهندسی معماری، عمران، برق و مکانیک.

۱۰. بر اساس اطلاعات گردآوری‌شده در مجموع سهم اعضای رشته شهرسازی به یک درصد از مجموع اعضای سازمان محدود می‌شود که این وضعیت نشان‌دهنده در اقلیت بودن شهرسازان در نظام مهندسی است.

11. Critical Discourse Analysis

12. Discursive Interview

فهرست منابع

- صرافی، مظفر، جمیله توکلی نیا، و مهدی چمنی مقدم. ۱۳۹۳. جایگاه برنامه ریز در فرایند برنامه ریزی شهری ایران. *فصلنامه مطالعات شهری* ۱۲(۱): ۱۹-۳۲.
- شفیعی، محمود. ۱۳۸۴. نظریه کنش ارتباطی (زیست جهان و سیستم) و نقد اجتماعی و سیاسی. *دوفصلنامه دانش سیاسی* ۲(۱): ۱۵۰-۱۶۵.
- محمدپور، احمد. ۱۳۹۲. روش تحقیق کیفی؛ ضد روش ۲. چاپ دوم. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- Abbott, Andrew. 1988. *The system of professions: An essay on the expert division of labor*. Chicago: Chicago UP.
- Bickenbach, Jerome E., and Sue Hendler. 2017. The moral mandate of the 'profession' of planning. In *Values and planning*, 162-177. Routledge.
- Birch, Eugenie L., and Christopher Silver. 2009. One hundred years of city planning's enduring and evolving connections. *Journal of the American Planning Association* 75, no. 2 : 113-122. https://www.researchgate.net/publication/233257773_One_Hundred_Years_of_City_Planning's_Enduring_and_Evolving_Connections
- Beauregard, Robert A. 1983. Planners as workers: a Marxist perspective. In *professionals and urban form*, edited by J. Blau, M. LaGory and J.Pipkin. Albany, NY: sunny press.
- Barr, Donald A. 1972. The professional urban planner. *Journal of the American Planning Association* 38, no. 3: 155-159. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/01944367208977599>
- Campbell, Heather, and Robert Marshall. 2005. Professionalism and planning in Britain. *Town Planning Review* 76, no.2: 191-215. https://www.researchgate.net/publication/250276890_Professionalism_and_planning_in_Britain
- Carr-Saunders, Alexander Morris, and Paul Alexander Wilson. 1933. *Professions (The)*. Oxford: Clarendon Press.
- Dalton, Linda C. 1986. Why the rational paradigm persists—The resistance of professional education and practice to alternative forms of planning. *Journal of Planning Education and Research* 5, no. 3: 147-153. <https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/0739456X8600500302>
- Evetts, Julia. 2014. The concept of professionalism: Professional work, professional practice and learning. In *International handbook of research in professional and practice-based learning*, 29-56. Dordrecht: Springer. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-94-017-8902-8_2
- Evetts, Julia. 2011. A new professionalism? Challenges and opportunities. *Current sociology* 59, no. 4: 406-422. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0011392111402585?journalCode=csia>
- Elliott, Philip. 1973. *The sociology of the professions*. Macmillan International Higher Education.
- Freidson, Eliot. 1973. *The professions and their prospects*. 2nd ed. Beverly Hills, CA: Sage Publications Inc.
- Greenwood, Edward. 1996. The elements of professionalization, In *Professionalization*, edited by H. Vollmer and D. Mills. New Jersey: Prentice-Hall.
- Gleye, Paul H. 2015. City planning versus urban planning: Resolving a profession's bifurcated heritage. *Journal of planning literature* 30, no. 1: 3-17. <https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/0885412214554088>
- Kvale, Steinar, and Svend Brinkmann. 2009. *Interviews: Learning the craft of qualitative research interviewing*. sage.
- Marshall, N. G. 2000. Into the Third Millennium: Neocorporatism, the State and the Urban Planning Profession. Doctoral dissertation, UNSW Sydney.
- McClelland, Charles E. 1990. Escape from freedom? Reflections on German professionalization. In *the formation of professions: Knowledge, state and strategy*, edited by M. Burrage, R. Torstendahl, 97-113. London: Sage.
- Myers, Dowell, and Tridib Banerjee. 2005. Toward greater heights for planning: Reconciling the differences between profession, practice, and academic field. *Journal of the American Planning Association* 71, no. 2: 121-129. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/01944360508976687>
- Murphy, Enda, and Linda Fox-Rogers. 2015. Perceptions of the common good in planning. *Cities* 42: 231-241. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0264275114001383>
- Pemberton, J. Michael. 1994. The professional association: Some basics. *Records Management Quarterly* 28, no.1: 50-55.
- Richards, Sue. 1990. *Conspiracy against the laity?*. Taylor & Francis.
- Sanyal, Bishwapriya. 2017. Planning's three challenges. In *the Profession of City Planning*, 312-334. Routledge.
- Stoltz-Urban, Carin, and Krishna K. Govender. 2014. The Role of Professional Associations in the South African Education and Training System. *Journal of Social Sciences* 41, no. 2 : 201-208. https://www.researchgate.net/publication/321223953_The_Role_of_Professional_Associations_in_the_South_African_Education_and_Training_System
- Teitz, Michael B. 1996. American planning in the 1990s: Evolution, debate and challenge. *Urban Studies* 33, no. 4-5: 649-671. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1080/00420989650011771>
- Wildavsky, Aaron. 1973. If planning is everything, maybe it's nothing. *Policy sciences* 4, no. 2 (1973): 127-153. <https://www.jstor.org/stable/4531522>

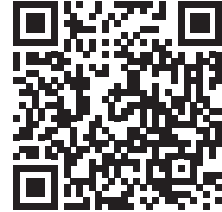
- Wodak, Ruth, and Michael Meyer. 2009. Critical discourse analysis: History, agenda, theory and methodology. *Methods of critical discourse analysis* 2: 1-33.

نحوه ارجاع به این مقاله

یادگارزاده، بنفشه، و فرشاد نوریان. ۱۴۰۱. چالش‌های سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی ایران از دیدگاه حرفه‌مندان، مورد مطالعاتی: سازمان نظام مهندسی ساختمان. نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر ۱۵(۳۹): ۲۶۵-۲۵۳.

DOI: 10.22034/AAUD.2019.160196.1752

URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_158047.html



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



